



١٠٤١٤٤



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

تصحیح دیوان ملامحمد نامی

به وسیله‌ی :

شهرام صادق نژاد

استاد راهنما:

دکتر محمد حسین گرمی

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۲

تیرماه ۱۳۸۷

۱۰۶۱۴۴

به نام خدا

تصحیح دیوان ملامحمد نامی

به وسیله ی:

شهرام صادق نژاد

پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای
تحصیلی لازم برای اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی:

زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: کالی

دکتر محمد حسین کرمی، استاد بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته)

دکتر نجف جوکار، دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی (استاد مشاور)

دکتر اکبر نحوی، استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی (استاد مشاور)

تقدیم به:

این رساله را به همسر مهربانم و روان پاک پدر و
مادرم تقدیم می کنم

سپاسگزاری

ابتدا خدای مَنان را سپاس می گویم که این توفیق را ارزانی داشت تا توانستم این پایان نامه را به اتمام برسانم سپس از استاد راهنما جناب آقای دکتر محمد حسین کرمی که با بذل محبت بر بنده حقیر منت گذاشتند و از ارشادات ایشان بهره ها بردم و همچنین از استادان و مشاوران گرانقدر آقایان محترم دکتر اکبر نحوی و دکتر نجف جوکار که مرا مرهون راهنمائیهای خود نمودند و با صبر و حوصله و دقت نظر در این راه همراهی و همیاریم کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم و بالاخره از همه ی استادان بخش فارسی دانشگاه شیراز تشکر می کنم که افتخار شاگردیشان را داشتم.

جا دارد از جناب آقای عبدالعزیز منصوری از اهالی محترم کوره ی اوز لارستان که نسخه ی خطی دیوان را صمیمانه در اختیارم قرار دادند تشکر کنم و همچنین جناب آقای حاج محمد محمودی از اهالی محترم اوز لارستان که دیوان چاپی ملامحمد نامی را به من عنایت کردند؛ کمال تشکر را دارم. سرانجام از همسر مهربانم که با صبر و حوصله فراوان زمینه ی ادامه ی تحصیلم را فراهم کردند؛ قدردانی می کنم.

چکیده

تصحیح دیوان ملامحمد نامی

بوسیله‌ی:

شهرام صادق نژاد

عنوان این پایان نامه، تصحیح دیوان ملامحمد نامی از شاعران قرن نهم و اوایل قرن دهم، (۹۱۲-۸۱۵ هـ ق) است. او مردی عارف مسلک و بی اعتنا به دنیا بوده، در روستای فتویه‌ی بستک به دنیا آمده، در اغلب قالب های شعری طبع آزمایی کرده که به دلیل حافظ قرآن بودن و تسلطش بر احادیث، دیوانش از آیات و احادیث فراوانی آکنده است. سبک شعرش عراقی است. در غزل از سعدی و حافظ، در قصیده از سنایی پیروی کرده ولی اغلب قصایدش بی مقدمه و تغزل است. در مثنوی های عرفانی دنباله رو مخزن الاسرار نظامی و مثنوی معنوی مولوی می باشد. موضوع شعرش نعت پیامبر و ائمه اطهار پس از آن پند و اندرز و اندکی هم عشق و جوانی است. همچنین وی به زبان عربی هم مسلط بوده، یک مثنوی در مدح ۱۲ امام، دو غزل در وصف پیامبر (ص) و یک ملمع و قصیده ای به عربی دارد. آقای دکتر خیامپور در کتاب فرهنگ سخنوران و آقای محمد حسین رکن زاده (آدمیت) در کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس، نامی را شاعر قرن سیزدهم (۱۲۷۰-۱۲۳۰ هـ ق) دانسته اند. در این پژوهش دلایلی در رد نظر آنان آورده شد و به اثبات رسیده است که نامی شاعر قرن نهم و اوایل قرن دهم (۹۱۲-۸۱۵ هـ ق) می باشد که در قسمت معرفی شاعر آمده است.

تصحیح دیوان به روشهای انتقادی و قیاسی و بر پایه دو نسخه زیر انجام شده است:

۱- نسخه ی خطی که تاریخ اتمام کتابت آن ۲۲ رمضان ۱۲۰۶ هجری قمری و به خط شمس الدین محمد زاهد است و به عنوان نسخه ی اساس قرار گرفته است.

۲- دیوانی که از روی نسخه ی خطی موجود در حوزه ی علمیّه ی احمدیّه اوز لارستان در دهم خرداد ماه ۱۳۵۱ هجری شمسی در چاپخانه فرهنگ شیراز چاپ شده است، به عنوان نسخه ی بدل در پاورقی آمده است.

کارهای صورت گرفته در این تحقیق عبارت است از:

- ۱- مقابله ی ابیات و برگزیدن بیت ها و کلمات صحیح به صورت انتقادی و قیاسی
- ۲- جدا کردن قالب های شعری از هم
- ۳- مرتب کردن قالب های شعری بر اساس حروف قافیه و ردیف
- ۴- تهیه فهرست قصاید و غزلیات برای سهولت در یافتن آنها
- ۵- تنظیم فهرست آیات، احادیث و اعلام در پایان دیوان
- ۶- مشخص کردن اوزان و ازاحیف اشعار
- ۷- اعراب گذاری اشعار عربی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول

- ۱-۱- مقدمه ۱
- ۲-۱- مروری بر تحقیقات انجام شده ۲
- ۳-۱- معرفی شاعر ۴
- ۴-۱- ویژگیهای اشعار ملامحمد نامی ۱۱
- ۵-۱- لارستان و حکام میلادی آن ۱۶
- ۶-۱- اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لارستان در قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری ... ۲۰
- ۷-۱- چگونگی تصحیح دیوان ملامحمد نامی ۲۲
- ۸-۱- ویژگی های نسخه ها ۲۳

فصل دوم

- ۱-۲- قصاید ۳۳
- ۲-۲- غزلیات ۹۶
- ۳-۲- مسمطها ۲۰۶
- ۴-۲- ترجیع بندها ۲۲۴
- ۵-۲- ترکیب بند ۲۳۴
- ۶-۲- مثنوی ها ۳۳۹
- ۷-۲- مُسمط ترجیع ۲۶۶
- ۸-۲- قطعات ۲۶۹
- ۹-۱- مفردات ۲۷۳

فصل سوم

- ۱-۳- فهرست آیات ۲۷۵
- ۲-۳- فهرست احادیث ۲۸۸
- ۳-۳- فهرست اعلام ۲۹۱
- ۴-۳- نتیجه گیری ۳۰۱
- ۵-۳- منابع و مأخذ ۳۰۳

فصل چهارم

- ۱-۴- عکسها ۳۰۶

(حرف الف) ۳ قصیده

- ۳۴ ای غره ی صبح ازدم جان بخش تو غراً.....
 ۳۵ یا مَعشَرَالنَّاسِ اِسْمَعُوامِنِّي صِفَاتِ الْمُصْطَفَا.....
 ۳۷ دررسالت مطلع نور رسالت مصطفا.....

(حرف ب) ۲ قصیده

- ۳۸ روز، شب شد، شب سحر آهنگ آه صبح تاب.....
 ۴۰ همه را کار فروبست و جهان گشت خراب.....

(حرف ت) ۵ قصیده

- ۴۵ ای جمالت کرده ظاهر جلوه ی انوار ذات.....
 ۴۷ محنت سرای دنیای دون، دارا بتلاست.....
 ۴۹ دنیا سرای بودن و جای قرار نیست.....
 ۵۰ افسوس از این حیات که بازیکنان گذشت.....
 ۵۲ قضا مگر گل آدم به خاک غصّه سرشت.....

(حرف د) ۱ قصیده

- ۵۳ دردا که زیر سایه ی این طارم کبود.....

(حرف ر) ۷ قصیده

- ۵۴ عمر خوش می گذرد غم مخور امسال چوپار.....
 ۵۸ آتش غم شعله زد زمین موج بحر پر بخار.....
 ۶۰ زبهر باصره ی دیده ی اولوالابصار.....
 ۶۱ کوکب دری به صورت سرزد از برج وقار.....
 ۶۲ مشام جان جهان تازه شد زبوی بهار.....
 ۶۳ زخط و خال عذاراست رنگ و بوی بهار.....
 ۶۴ باد خزان وزید و فرو ریخت نوبهار.....

(حرف ل) ۲ قصیده

- ۶۶ ای طلعت تو مطلع انوار ذوالجلال.....
 ۶۷ ای فلک سپاره ی دولت فتادت دروبال.....

(حرف م) ۴ قصیده

- ۶۸ ای برکشیده تیغ و ماینطق از نیام.....
 ۷۰ اگرچه ذات شریفتم مؤخر است و مقدم.....

صفحه ی ایجاد را الحق توبودی سر، قلم..... ۷۲

به هر صفت که رقم زد قلم پی تعظیم..... ۷۳

(حرف ن) ۱۴ قصیده

سحر رسید به گوشم نداز عالم جان..... ۷۵

سخن به نام خدا باید ابتدا کردن..... ۷۷

به حجره ای که شتر خار خورد و مرغ ارزن..... ۷۹

نبرده خار شتر پی به رخت حجره ی من..... ۸۰

زبار حجره ی شادی سبک شد اشتر من..... ۸۱

ای روشن از تو مشعله ی نور یا حسین..... ۸۳

ای میوه ی دل اسدالله یا حسین..... ۸۴

ای نور چشم احمد مختار یا حسین..... ۸۵

ای ملک اصطفی به تو آباد یا حسین..... ۸۷

محرم آمد و عالم پر از عزای حسین..... ۸۸

ای شده بر تختگاه کبریا مسند نشین..... ۹۰

ای ثنا خوان صفات، ذات رب العالمین..... ۹۱

(حرف ه) ۱ قصیده

بگذشت شهر مغفرت و رحمت آه آه..... ۹۲

(حرف ی) ۳ قصیده

آخر ای مدت ادبار زمانی به سرآی..... ۹۳

یا مَعَشَرَ الْخَلَائِقِ صَلُّوا عَلَی النَّبِیِّ..... ۹۴

چون دارد از طریق محمد نشان علی..... ۹۵

"فهرست غزلیات"

صفحه

عنوان

(حرف آ) ۱۱ غزل

۹۷	تا چند طی کنم ره خواب و خیال را.....
۹۷	ای به خطاب فاستقم قایم معبد رضا.....
۹۸	ای به میدان آو آدنی رانده رخس اصطفا.....
۹۸	سر خدا بیان کند ، نور صفات مصطفی.....
۹۹	هر که واقف شد زاسرار خیال مصطفی.....
۹۹	هر که نشد در این جهان پیرو رأی مصطفی.....
۱۰۰	محمد، احمد و محمود، طیب طاهر مولا.....
۱۰۱	یا صبا بلغ تحیاتی و تسلیمی علی.....
۱۰۱	زهی عقیده ی موی تو حلّ مشکل ما.....
۱۰۲	ای صورت تو جلوه گر عالم معنا.....
۱۰۳	باد از ابتدای سخن تا به انتها.....

(حرف ب) ۳ غزل

۱۰۴	ای به دیوان رسالت کرده نسخ هر کتاب.....
۱۰۴	ای سراپای وجود تو بری از همه عیب.....
۱۰۵	جان من بهر خدا منشین تو پهلوی رقیب.....

(حرف ت) ۳۵ غزل

۱۰۵	ای خاک درت مسکن سگان سماوات.....
۱۰۶	تویی گنه کش و من زنده این چه خوست و چه عادت.....
۱۰۶	ای بهشت عاشقان مابین قبر و منبر.....
۱۰۷	قول شهادتین که تصدیق دین ماست.....
۱۰۷	صفت وادی عشق ار چه پایان فناست.....
۱۰۸	توحید کاینات که تهلیل انبیاست.....
۱۰۹	خاک پایت چشم جان را توتیاست.....
۱۰۹	چون سرزلف تو، مشاطه ی تقدیر آراست.....
۱۱۰	آئینه ی صفاء رخ زیبای مصطفاست.....
۱۱۰	بارگاه قربت از ایوان کیوان خوشتر است.....

- یارب امشب در مشامم بوی مشک ادفاست..... ۱۱۱
- رویت گلی از روضه ی گلزار اله است..... ۱۱۱
- دل مخزن گنجینه ی اسرار اله است..... ۱۱۲
- چشم جانم به تماشای جمالت باز است..... ۱۱۳
- ای که نامت مایه ی اسلام و ایمان من است..... ۱۱۳
- مردن به تمنای توآسایش جان است..... ۱۱۴
- مشعل فروز تیره شبان، روز روشن است..... ۱۱۴
- مراچو مرغ به کوی توآشیا نه بس است..... ۱۱۵
- یا رب مرا وسیله در کبریا بس است..... ۱۱۵
- جام را چهره به آیین شفق گلگون است..... ۱۱۶
- خلاف دین تو بودن دلیل بدکامی است..... ۱۱۶
- حسنی که هویدا است مجرد ز نقابست..... ۱۱۷
- منظر قدّ و سیان روی جهان آرای توست..... ۱۱۷
- آرام جان زنده دلان ذکر نام توست..... ۱۱۸
- بحر محیط قطره ی دریای جود توست..... ۱۱۹
- چون تو سلطانی و بزم کبریا میدان توست..... ۱۱۹
- ای کرده جسم پاک تومرقدز خاک و خشت..... ۱۲۰
- قضا مگر گل آدم به خاک غصّه سرشت..... ۱۲۱
- یاری که دل به داغ غمش تازه بود، رفت..... ۱۲۲
- عارضت را فتنه ی دورقمر باید گرفت..... ۱۲۲
- نور نظر با صره ام مهر جمالت..... ۱۲۳
- ای مظهر اسرار خدا نور جمالت..... ۱۲۳
- غم می کشد مرا و توشادان چه گویمت..... ۱۲۴
- من نمی خواهم که ببند هیچ کس غیرمنت..... ۱۲۴
- مّعطر است دوکون از شمیم یک مویت..... ۱۲۵

(حرف د) ۲۹ غزل

- هزار شکر که ایزد مراد بنده بداد..... ۱۲۵
- تو را به هیچ صفت سایه بر زمین نفتاد..... ۱۲۶
- ای زمظلومان امت در شفاعت کرده یاد..... ۱۲۷
- بوده از روز ازل ذات توسلطان تا ابد..... ۱۲۸

- جهان و جان و دل ،آبادی از جمال تو دارد..... ۱۲۹
- ظلمت عصیان آدم روی عالم تیره کرد..... ۱۲۹
- گرجان منی بادگرانی چه توان کرد..... ۱۳۱
- حبیبی کوشب اسرا قدم بر عرش اعظم زد..... ۱۳۱
- خداشناخت کسی که او تو را شناساشد..... ۱۳۲
- شد سرم پامال عشق و شور سودا کم نشد..... ۱۳۲
- زهی سعادت آن بنده که اوبه نام تو باشد..... ۱۳۳
- من و خیال تو تاروح در تنم باشد..... ۱۳۳
- برآن سرم که گرم راه در هوای تو باشد..... ۱۳۴
- نَظْمَتٌ كَلَامًا فِي صِفَاتِ مُحَمَّدٍ..... ۱۳۴
- ای قبله ی اصحاب صفا روی محمد..... ۱۳۵
- شد حجره ی جان حجله ی آیین محمد..... ۱۳۵
- هرکه یک جرعه زجام طلبت نوش کند..... ۱۳۶
- نورعالم را که جادر دیده ی آدم دهند..... ۱۳۷
- در حریمت یا رسول الله پناهم کی دهند..... ۱۳۷
- تراست سنبل تر برگل از کلاله ی خود..... ۱۳۸
- دردا که زیر سایه ی این طارم کبود..... ۱۳۸
- هنوز لوح عدم نانموده خط وجود..... ۱۳۹
- اثری از نظر جلوه ی انوار تو بود..... ۱۳۹
- چون بود نور تو در خاک بوالبشر موجود..... ۱۴۰
- شب معراج لقا بزم تماشای تو بود..... ۱۴۰
- یا مصطفی از نام تو جان تازه می شود..... ۱۴۱
- شبی که ماه من آن نازنین به جلوه درآید..... ۱۴۲
- آن دم که دیده ، طلعت جان پرور تو دید..... ۱۴۲
- یک ره به کوی آن بت بدخوگذر کنید..... ۱۴۳

(حرف ر) غزل

- هزاربار خدایا اگر کنم تکرار..... ۱۴۳
- مجلس ماہزم و رندان است و ساقی پرده دار..... ۱۴۴
- ای صبا رو برحریم طیبه کن امشب گذار..... ۱۴۵
- مگر از سوزش من ناله ی نی یافت خبر..... ۱۴۵

- ای غبار آستانت ز آب حیوان پاکتر ۱۴۶
 سینه ریشان بلاکش را نمی سازد حضور ۱۴۶
 توحیبی و حریم حرمت عالم نور ۱۴۷

(حرف س) ۵ غزل

- سرکویت به صفا مقصد اقصی شد و بس ۱۴۸
 نشان عزتم از نقش حرف نام توبس ۱۴۸
 راحت جان من از شوق تماشای توبس ۱۴۹
 چون من خون گرفته را دل به تو مایل است توبس ۱۵۰
 من که بی نعت کمالت بر نمی آرم نفس ۱۵۰

(حرف ف) ۲ غزل

- زرأی و حکم توهر کسی که جست رأی خلاف ۱۵۱
 ای روح ساکنان فلک را درت مطاف ۱۵۱

(حرف ق) ۲ غزل

- ای به خطاب فأتبعونی حبیب حق ۱۵۲
 ای صورت ظهور تو از نورذات حق ۱۵۲

(حرف ک) ۲ غزل

- باز شب شد که من از گریه به خون افتم و خاک ۱۵۳
 ای سراپرده ی عزت زده بر اوج فلک ۱۵۳

(حرف ل) ۴ غزل

- ای جبینت داده نور مهرایوان جمال ۱۵۴
 ای غبار خاک نعلین تو، نور چشم دل ۱۵۴
 هزار شکر که دلشادم از خداورسول ۱۵۵
 ای صفای عارضت سرسبزی خان خلیل ۱۵۵

(حرف م) ۲۷ غزل

- یا مَنْ هُوَ الرَّسُولُ عَلَي سائر الأنام ۱۵۶
 ای حریم آستانت، حرمت بیت الحرام ۱۵۷
 سررشته ی امید ز غیر تو گسستم ۱۵۸
 دو روزه که به قید حیات در بندم ۱۵۸
 به یک کرشمه ی ساقی چنین زدست شدم ۱۵۹
 ای روی جهان از قدمت تازه و خرم ۱۵۹

بیست راه نفس، ناله ی گلوگیرم.....	۱۶۰
نفسی بی تو نخواهم که برآید نفسم.....	۱۶۱
خواهم که به جان کشته ی پیکان تو باشم.....	۱۶۱
تا چند زغم گریم و نالان تو باشم.....	۱۶۲
تا چندبار محنت دوران کشم.....	۱۶۳
تا کی زبیم کسان ناله ی ترسنده کشم.....	۱۶۴
ای در ره مهر تو مرا پای ز سرگم.....	۱۶۴
ای برکشیده بر حرم کبریا علم.....	۱۶۵
بی نون نعت ذات تو در گردش قلم.....	۱۶۶
زبس که دم نزدم، جان من، بسوخت تنم.....	۱۶۷
با تو من چون صبح مهر از روشنی دم می زنم.....	۱۶۷
لعل جان بخت چنین شرین و من در مردنم.....	۱۶۸
شد دلم تاریک، بنشین دردو چشم روشنم.....	۱۶۸
بردت گریگسلد سررشته ی جان از تنم.....	۱۶۹
چون نیست مجالم که دمی با تونشینم.....	۱۷۰
ای دلیل عاجزان بر ساحل امیدوبیم.....	۱۷۰
وه که شکست بار غم قوت بردباریم.....	۱۷۱
امشب چو گل زباغ صفا می دمد نسیم.....	۱۷۲
بیا تایک زمان با هم بگرییم.....	۱۷۲
ای صورت تأخیر تو را معنی تقدیم.....	۱۷۳

(حرف ن) ۲۰ غزل

گرم به هر سرمویی بود هزار زبان.....	۱۷۴
تو را که صورت حسن است، برگشای زبان.....	۱۷۴
زهی خیال رخت نور بخش دیده ی جان.....	۱۷۵
توحیبی و رخت منظر صاحب نظران.....	۱۷۶
تو هستی خویش آدم در ظلمنا، طالب غفران.....	۱۷۶
ای دل پاکیزه ات واقف ز سرگن فکان.....	۱۷۷
زهی پیرایه ی خلق عظیمت در صفت قرآن.....	۱۷۷
بی وفا خوانم تورا یا سنگدل یا سیمتن.....	۱۷۹
ز تمنای تماشای جمالت مردن.....	۱۷۹

- ۱۸۰ نمی توانمت از رشک، با کسان دیدن.....
- ۱۸۰ زهی به نور تو، دل را چراغ جان روشن.....
- ۱۸۱ برفرور ای غم چراغی و آتش من نیز کن.....
- ۱۸۲ شاه من در ملک دل جز خیل غم سلطان مکن.....
- ۱۸۳ ای که خود را بی خبر می سازی از فریاد من.....
- ۱۸۳ فاش خواهد کرد روزی، قصّه ی پنهان من.....
- ۱۸۴ عارض زیبایی توست ماه دلارای من.....
- ۱۸۴ زهی صفات تو زیب رخ عروس چمن.....
- ۱۸۵ نفس به یاد تو جان پرور است در تن من.....
- ۱۸۶ ای حجّت تو قاطع، برهان تو متین.....
- ۱۸۶ صَلِّ يَا رَبِّي وَ سَلِّمْ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.....
- ۱۸۷ صَلِّوْ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى الْأَمِينِ.....

(حرف و) ۲ غزل

- ۱۸۸ آن نو شکفته گل که رقیب است خاراو.....
- ۱۸۸ ای نور عین و حور عین گردی ز خاک پای تو.....

(حرف ه) ۷ غزل

- ۱۸۹ ای تاب آفتاب رخت آبروی ماه.....
- ۱۸۹ پس از عبادت معبود بی شریک شبه.....
- ۱۹۰ ای خاک آستان تو ز آب حیات به.....
- ۱۹۰ ای زسلطانی علم برلامکان افرخته.....
- ۱۹۱ نَسِيمَ الصَّبَا أَقْبِلْ وَ بَلِّغْ تَحِيَّتَهُ.....
- ۱۹۱ ای جهان عزّت از جود تو آبادان شده.....
- ۱۹۲ ای زمزگان تو زخمی بر دل ریش همه.....

(حرف ی) ۲۲ غزل

- ۱۹۳ طره ی سنبل به روی گل مطراً کرده ای.....
- ۱۹۴ ای سوره ی قمر زجمالت حکایتی.....
- ۱۹۴ ای رایت سلطانت بگرفته ملک سروری.....
- ۱۹۵ برخاک می نهم سراز راه سروری.....
- ۱۹۵ ای روشن از جمال تو شمع پیمبری.....
- ۱۹۶ نه بخت آنکه به روی تو افتدم نظری.....

۱۹۷	ای هر سرمویی ز تو سر رشته ی نوری
۱۹۷	ای مراجان به تو همراه و تو جانان کسی
۱۹۸	نمک و خان من از پوست و تو مهمان کسی
۱۹۹	مردم چه کنم وه که بدین تازه جوانی
۱۹۹	وقت است که پیدا کنم این درد نهانی
۲۰۰	ای شیفته برحسن تو ارباب معانی
۲۰۰	ای مهر تو سرمایه ی اقبال امانی
۲۰۱	ای ذوق تمنای تو در جام جهانی
۲۰۱	عشوه می بخشی و لبها را شکرخا می کنی
۲۰۲	ای به کویت قدسیان را آرزوی مسکنی
۲۰۳	نازنینی کز ستم نگذاشت جانی در تنی
۲۰۴	به مویت بسته ام دل چون پریشا نان شیدایی
۲۰۴	ای نور جهان، مرا به تو نوری و صفایی
۲۰۵	کلک مشاطه ی تقدیر به حسین آرایی

اختصارات

علايم اختصاری به کار رفته در تصحيح ديوان ملا محمد نامی عبارتند از:

اح: نسخه‌ی چاپی احمدیه

ب: بیت

تص: تصحيح

ترک: ترکیب بند

ج: جلد

خ: نسخه‌ی خطی

رک: رجوع کنید

ص: صفحه

غ: غزل

ق: قصیده

قط: قطعه

مث: مثنوی

مست: مسمط ترجیع

مس: مسمط

نگ: نگاه کنید

مقدمه

۱-۱- مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

بازگشودم در امیدوبیم

(نامی. ملامحمد. مثنوی ۲. ب. ۱)

سرزمین ایران از دیرباز مهد تمدن و فرهنگ و ادب بوده است و از این میان اقلیم فارس جایگاه خاصی در تاریخ ادبیات و فرهنگ ایران دارد و چه بسیار فرهیختگان و دانشمندی را در خود پرورده است که منشأ تحوّل شگرف بوده اند ولی به دلیل نشر نشدن آثارشان، دیگران آنها را نشناخته اند و به همین لحاظ به وادی فراموشی سپرده شده اند.

یکی از مسؤولیت های مهم و اساسی دانشگاهیان بویژه در رشته های علوم انسانی، مانند ادبیات فارسی، احیای آثار دانشمندان و شاعران این مرز و بوم و جلوگیری از به هدر رفتن تجربیات و دانش های ارزشمند آنان است. براساس این دیدگاه برآن شدم تا در زمینه ی آثار گذشتگان، گامی هر چند اندک بردارم و به معرفی یکی از شاعران لارستان بپردازم.

لارستان در طول تاریخ پرفرازو نشیب خود، مردان سترگ را پرورده است که هر کدام به نوبه ی خویش موجبات ترقی و عزت ایران و اسلام را فراهم نموده اند. افرادی مانند: مولانا عبدالغفور لاری متوفی (۹۱۲ ه. ق) قطب الدین لاری، کمال الدین لاری و ...

از جمله ی این شاعران لارستانی ملامحمدنامی (۹۱۲-۸۱۵ ه. ق) است. نامی درباره

بی نشان ماندن خود چنین آورده است:

بگذار که پوید ره بی نام و نشانی

نامی به نشانی ز تو بدنام جهان شد

(دیوان تص. غزل ۱۶۷)

می مُرد و چه می گفت که یارب تو بمانی

فریاد ز نامی که مماناد نشانش

(همان. غزل ۱۶۶)

در بی خبری مخبر از اخبار اله است

نامی نه نشان دارد و نی نام چه حال است

(همان، غزل ۲۷)

چون زنامی نه نشان ماند و نه نام محو شد در بی نشانی و السلام
(همان. مثنوی ۸)
یکی از محدودیت های این تحقیق، آن بود که نسخه های موجود فقط دو مورد بیشتر نبود و چون شاعر محلی بوده، شاید نسخه های متفاوت دیوانش در طول اعصار مختلف از بین رفته باشد که به نوبه‌ی خود معضلی در کار تصحیح دیوان به شمار می آید.
بنابراین کار تصحیح دیوان ملا محمد نامی عنوان رساله‌ی کارشناسی ارشد، انتخاب شد. باشد که خداوند منان این سعادت را نصیب کند تا این مهم را به اتمام رساند و نامی و اشعارش را به ادب دوستان هرچه بیشتر و بهتر معرفی شود. ان شاءالله

۲-۱- مروری بر تحقیقات انجام شده

تا به حال تحقیق منسجم و مفصّلی بر روی ملامحمد نامی و دیوانش صورت نگرفته است و به غیر سه کتابی که در زیر معرفی می شود در هیچ کتاب تذکره و تاریخ ادبیات دیگر از او اسمی به میان نیامده است بنابر این برای اطلاع از وضعیت و پیشینه‌ی تحقیق دیوان نامی آن سه منبع آورده می شود:

۱- تاریخ جهانگیریه تألیف محمد اعظم بنی عباسیان بستکی کتابی است در شرح حال بنی عباسیان بستک، سادات قتال، مشایخ مدنی، مشایخ انصار، بنی عباسی سلاطین دوره‌ی آنان، فرمانروایان فارس، فرمانداران جهانگیریه و لارستان، شعرا و عرفای معاصر بنی عباسیان که در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی به همت حاج محمد احمد کپیتال در ۳۸۶ صفحه چاپ شده است. خاندان بنی عباسی از مشایخ و بزرگان اهل سنت و پیرو فرقه‌ی قادریه و نقشبندی بوده اند و در صفحه ۲۸ همین کتاب ذیل عنوان نسب نامه بنی عباسیان بستک، نسب خود را به عباس، عموی پیامبر(ص)، رسانده اند.

جهانگیریه ناحیه‌ی ای در میانه‌ی جنوب و مشرق شهر لار بوده که طول آن از قریه‌ی کوشک تا قریه‌ی کمشک سی و هشت فرسخ و عرض آن از جناح تا فاریاب، هشت فرسخ و قصبه‌ی این ناحیه را بستک گویند و قریب یک فرسخ از شهر لار دور است. کلانتر و ضابط این ناحیه از قدیم، سلسله‌ی مشایخ بستکی بوده اند و بزرگ این سلسله به لقب خانی سرافراز می شده مانند احمد خان بستکی که در سال ۱۲۴۵ هجری قمری به حکومت تمامی خطه‌ی لارستان نیز سرافراز گردیده است.

در این کتاب درباره ملامحمدنامی چنین آمده است:

"ملانامی از شعرای بازهد و تقوا و در قریه فتویه از دهستان گوده اقامت داشت، مدرس و پیشنماز مسجد و قاضی فتویه و بلوک گوده بوده است. دیوان اشعاری که همه مناجات و نعت پیامبر(ص) و مدح ائمه ی اطهار است از او باقی مانده که تاکنون به چاپ نرسیده است. حروف خلدبرین(۸۹۶) تاریخ حیات نامی را نشان می دهد و در سال ۹۱۲ در لار فوت کرده و در محله ی کوریچوی لار مدفون است.(تاریخ جهانگیریه ص ۳۳) و در صفحه ی ۲۴ همین کتاب چنین گفته شده است:

"ملانامی فتوی شاعر معروف جهانگیریه از مریدان خاص و تلامیذ مرحوم شیخ محمدبن جابر معروف به شیخ بلند پرواز بوده که در حدود سال ۹۰۵ هجری قمری فوت کرده است." ۲- دانشمندان و سخن سرایان فارس تألیف محمد حسین رکن زاده (آدمیت) ج ۴ نوشته است: "نامی فتوی متولد در حدود ۱۲۳۰ متوفی در حدود ۱۲۷۰ متخلص به نامی و از شعرای قرن سیزدهم هجری قمری است. از احوالش چیزی معلوم نشد. از اشعارش معلوم می شود که مرد فاضل عارف مشربی بوده است."

۳- فرهنگ سخنوران ص ۳۰۳ از دکتر عبدالرسول خیامپور درباره نامی آورده است: "نامی فتوی محمد در حدود ۱۲۳۰ متولد و در حدود ۱۲۷۰ وفات یافته است."

۴- دیوان نامی که پس از پیدا شدن نسخه ی خطی دیوان شاعر در حوزه ی علمیه ی احمدیه ی اوز لارستان به همت و هزینه ی دو نفر از خیرین اوزی به نامهای حاج محمد و حاج عبدالله آخوند اوزی از ساکنین بحرین در دهم خرداد ماه ۱۳۵۱ هجری شمسی در چاپخانه ی فرهنگ شیراز و با مقدمه ی حاج ابوالقاسم کشمیرزاده در هزار جلد چاپ شده و به طور رایگان در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

در مقدمه ی این کتاب درباره نامی بدون ذکر کتاب تاریخ جهانگیریه همان مطالب گفته شده است. پس بنابر آنچه گفته شد این ضرورت احساس گردید که باتوجه به آنچه از اشعارش در دست است دیوان کاملی از نامی همراه با ویژگیهای اشعار، سبک، اخلاق و ... ترتیب داده شود تا ادب دوستان از آن بهره مند گردند.